

مذهبی<sup>(۱)</sup> اسپر دند و محاکمه مزبوره تا حد بکه ممکن بود ایشان را در آتش انداخته سوزانید و چون این عمل بکنندی بیش میرفت و صد ها هزار اشخاص را سوزاندن کاری بس مشکل بود لذا شق دیگر که اخراج مسلمین از کشور باشد در نظر گرفته شد.

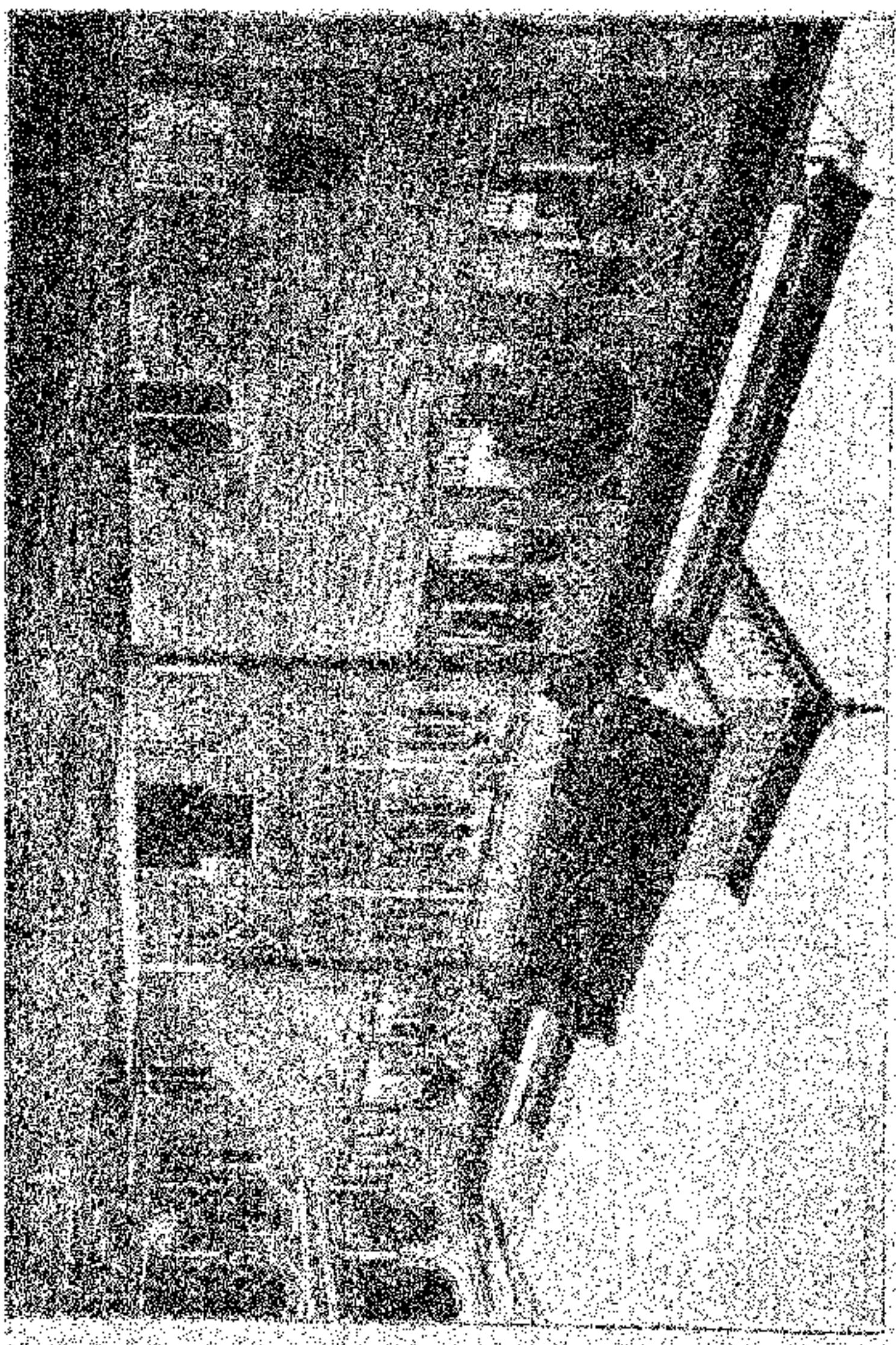
اسقف اعظم طبیعتله که رئیس محاکمه مقدس فوق بود رأی داد که تمام اعراب غیر مسیحی را با ذنوب و بجهه ازدم شمشیر بگذرانند، راهبی بلدا<sup>(۲)</sup> نام از اسقف اعظم قدیمی جلوتر گذاشت و از روی این اصل که چون یقین نیست این اعراب غیر مسیحی از روی حقیقت مذهب اختیار نموده باشند و خدا خود در آخرت دوزخی و بهشتی را از هم تغییر خواهد داد لذا رأی داد که تمام اعراب را بلا استثناء (مسیحی و مسلمان) بقتل بر سانند. اگر چه جمعی از کشیشها این رأی را پسندیده و قایید نمودند ایکن حکومت با خود اندیشید که شاید ایشان باسانی ذیر ہار این جناحت نروند لذا در سال ۱۶۱۰ میلادی اعلانی انتشار داد که تمام آنها بکمرتبه از کشور خارج گردند.

بلدا راهب مزبور با نهایت مسرت و خوشی ذکر میکند که سه قسمت این جمیعت در انتای راه بقتل رسیدند و مخصوصاً در یکی از این مهاجرتها که در آن یکصد و چهل هزار نفر مسلمان بطریق افربیقا میرفند یکصد هزار نفر مقتول شدند<sup>(۳)</sup> در طرف چند ماهی زیاده از یک میلیون مسلمان از اندلس خارج گردیدند و مطابق تخمینی که درین باب از سدیلو<sup>(۴)</sup> واکثر مورخین بعمل آمده است از این تعداد فتح فردیناند زمان اخراج مسلمین از اندلس سه میلیون از عده رعایای کشود کاسته شده است و

۱- دیوان هزور یعنی محکمه تقویش مذهبی دیوانی بود که برای مجازات اشخاص بی عقیده ای که در یکی از مسائل مذهبی کاتولیک روم تردید مبکر دند تشکیل یافته بود، این اشخاص را خارجی میشانند و هر گونه خللم و جوری را نسبت بآنها جایز میشمردند و در آخر سزا این بدختها سوزاندن در آتش مقرر شده بود، اینها این دیوان در اندلس در قسطنطیلیه سنه ۱۲۹۰ تشکیل یافته ایکن در سنه ۱۴۸۰ فردیناند و ایزابل دو باره آنرا بر پا کردند و در سنه ۱۴۸۱ تقریباً هزار نفر طعمه حریق شده و مسیزده هزار نفر بمجازاتهای دیگر رسیدند.<sup>(۵)</sup>

۲- Bléda. ۳- Sédillot.

باب ششم - حکومت اسلامی در اندلس

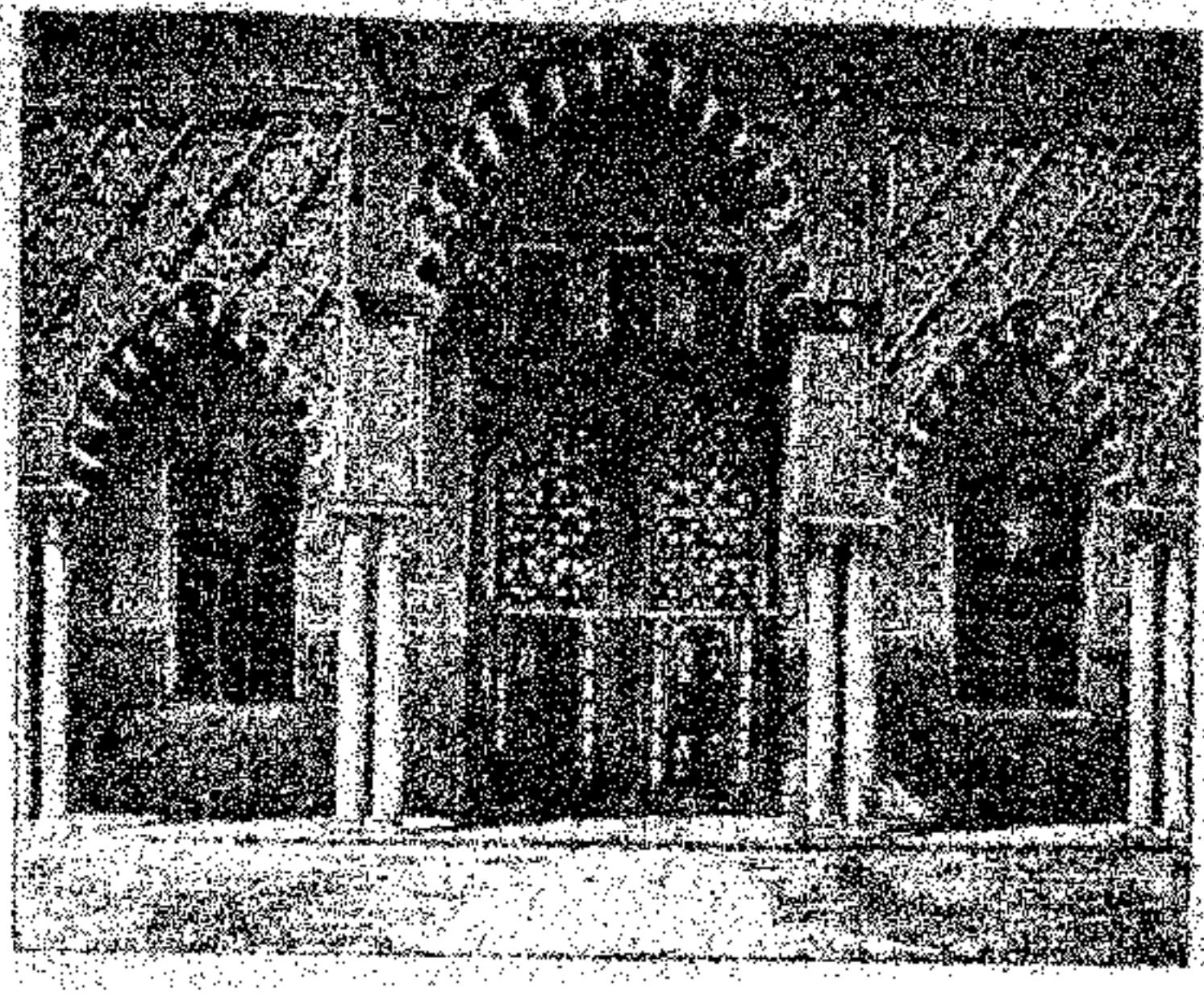


(۱۳۱) - جلو خاتم المصلیه

البته بعد از یکمین قتل عامی واقعه سن بارگاهی (۱) را کی از واقعات عادی و کوچک باید بشمار آورد و شاید تا کنون هیچیک از پیر حم نرین و وحشی نرین کشور گیران عالم دامن خود را آورد و به چنین لکه قتل عامی نکرده باشد.

بوای اندلس جای بسی نأسف است سه میلیون نفوسی که در حقیقت دوچه ترقیات علمی و صنعتی مملکت بودند از کشور اخراج شدند و محکمه مذهبی از یک طرف آنها را محکوم بنفی بلد نموده از طرف دیگر مسیحیانی هم که در طریق تریست و تندن سری بلند کرده بودند همه را نیست و نا بود کرد چنانکه این سفا کی خونخواری وقتیکه خانمه بافت نایج آن نمودار گردید و آن صریح و آشکار هم بوده است. همان اندلسی که در پیک دوره بدوره ارتقاء و اعتلاء رسیده بود دفعتاً با خوبین درجه مذلت و خواری سقوط نمود و شیرازه امور زراعت، حرفت، تجارت، علم و ادب، شماره نفوس بکلی از هم متلاشی گردید چنانکه از آن رمان تا کنون که چندین قرن گذشته با وجود کوشش زیاد هنوز اندلس توانسته سربلند کند. عده نفوس طلب طله که در دوره مسلمین بالغ بر دویست هزار نفر بود اکنون تمام آن زیاده از هفده هزار نفر نمیباشد و در قرطبه که یک میلیون نفوس بود فعلای پیش از دوهزار نفر تقلیل یافته است منجمله از یکصد و پنجاه شهری که در قسمت سلامانک (۲) آباد بود، گمان نمیبرد بیشتر از سیزده شهر باقیمانده باشد این موضوع که اندلس بواسطه اخراج مسلمین رو به تنزل و انحطاط فاحش گذاشت ما آنرا در یکی از ابواب آینده متعلق بجهانشینان عرب مطرح بحث فرار داده تفصیلاً بیان خواهیم نمود و در اینجا بدینجهت آنرا ذکر نمودیم که برای تأثیر یک قوم فاتحی در قوم مفتوح بسلط یک قوم غالی در قوم معاوب شاهدی در دنیا بهتر از اندلس بافت نمیشود. اندلس قبل از اسلام فاقد تمدن بوده ولی در دوره اسلام باعلی درجه ترقی داشت Saint-Barthélemy، یکی از مشاهیر اولیاء روم کانوییت عیاشد و مالاهمی که برای او میگرفته همیشه بیست و دوم اوست بوده است در سال ۱۵۷۲ عیسوی در شب سان پیر مژبور حسب الامر شاهزادی نهم پادشاه فرانسه تمام پروتسنثای کشور را قتل خام نمودند که تنها در پاریس یا نصف نفر از خواص و ده هزار نفر عوام را از دم شمشیر گذراشند.

۴ - Salamanque.



(۱۲۶) - قسمت داخلی بکی از جاهله‌ای الفصر اشیده

رسیده و بعد از رفتن مسلمین هم دو باره رو به تنزل شد بدگذاشت پس چه مشالی  
میتواند از این کاملتر باشد ،

### فصل سوم

#### تمدن اسلامی در اندلس

عمران و آبادی اندلس در عصر ویزیکت محدود و تعداد آنان نظربر نمدن فرم  
نیم وحشی بوده .

اعراب مخصوصاً در خانمه فتوحات خود شروع بر ترقی نمودند و در طول بکصد  
سالار ارضی با اثرو تمامآ مزروع و آباد و اینه و عمارات عالیه بنانهاده و روابط تجارتی خود را  
با اقوام دیگر برقرار نمودند و بعد باشاعت علوم و فنون همت گماشته کتب بونانی

ولاتینی را ترجمه کرده، آموزشگاهها و دانشکده هائی تأسیس نمودند که تا حد تی  
مدید مورد استفاده اروپاییان واقع و از پرتو آن بهره مند بودند.

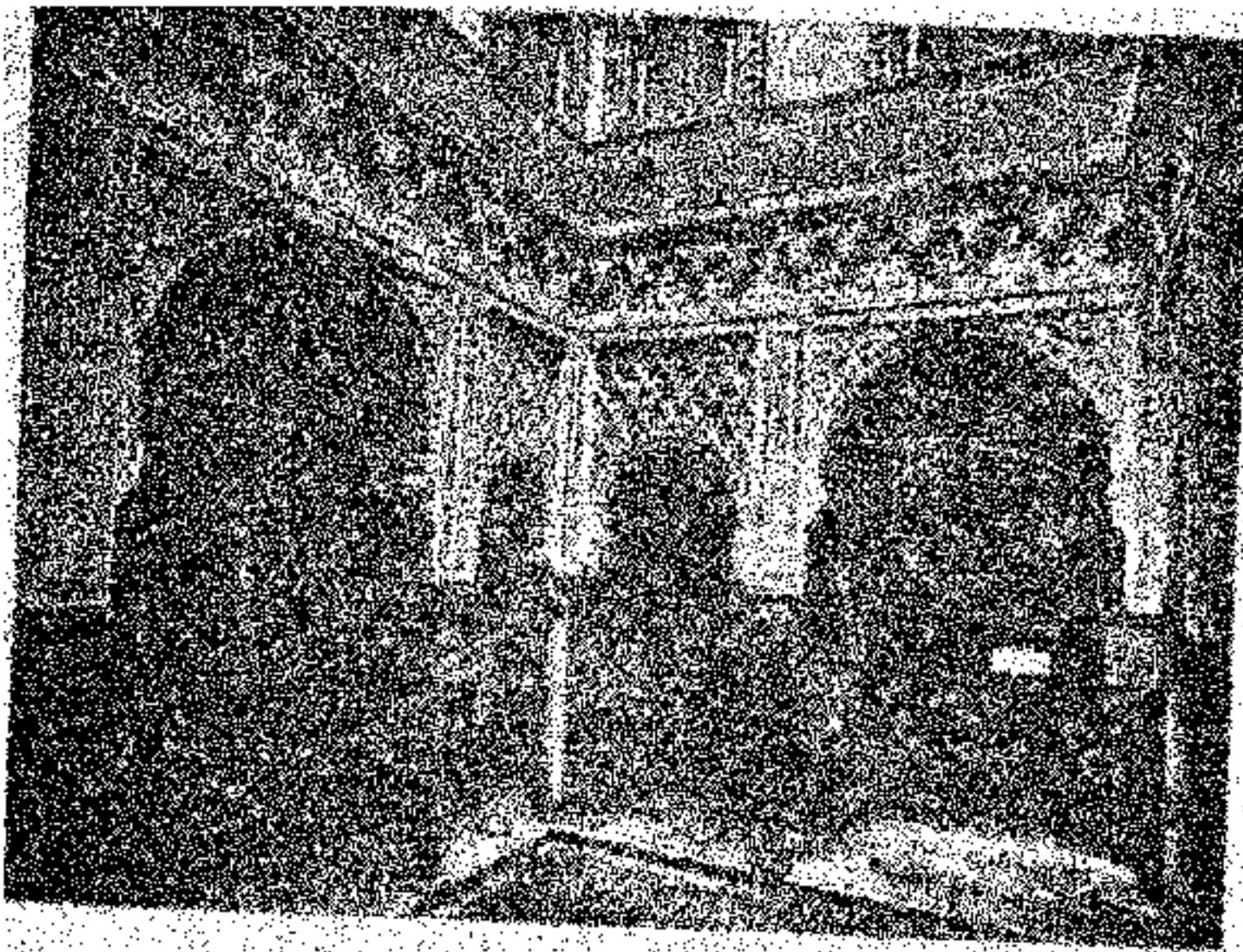
از زمان عهد الرحمن، یعنی از وقته که اندلس از خلافت شرق مجزی و خلافت  
قرطبه برقرار گردید (سال ۶۵۷ میلادی)، تمدن اسلامی باوج کمال رسیده و تاسیس  
سال قرطبه از حیث علوم ناج افتخاری بزرگ نام شهرهای عالم بود.

عبد الرحمن از همان وقت که بر تخت خلافت نشست این نکته را در دماغ اعراب  
جامیداد که آنها اندلس را مهمن مخصوص خود بشناسند و برای اینکه آنها را از خیال  
مکله معمظمه منصرف نمایند در قرطبه مسجدی بنا نمود که مقام شهرت را حائز و بسی  
حیرت انگیز بوده است و چون این خلیفه از مصارف جنگی آسوده بود لذا درآمد کشور  
را صرف ترقیات داخلی مینمود و خلفاء بعد ازاوهم تقاید و بیرونی ویرا در این باب  
جز و افتخار خود می‌شمردند.

یکی از خصوصیات تمدن اسلامی در آنوقت همانا شوق مفرطی بوده است که در  
سلمین علوم و فنون پیدا شده و در هر جا آموزشگاهها، کتابخانه‌ها و بنگاهها و  
جامعه علمی وادی تأسیس، کتب یونانی را ترجمه نموده، تحصیل هندسه، هیئت،  
طبیعت‌شناسی، طب با نهایت موفقیت جریان داشته و مامخصوصاً در محل خود  
معلوم خواهیم داشت که علمای اسلام در علوم و فنون ترقیات شایان و نعایانی نموده  
و موفق با کنترل این مهنه گردیدند.

تعارف و حرفت نیز در نهایت درجه ترقی بوده، معادن، اسلحه، بازچه‌های حریر  
و سایر منوجات، چرم‌های دباغی شده و شکر تماماً در اینجا فراهم آمده و نوسط  
یهود و بربر که تجارت آن عصر بودند با فربقا و هشرق حمل می‌شدند.

در عرب استعداد فلاحت وزراءٰ بیش از علوم و صنایع وجود داشت، چنان‌که در اندلس  
برای آبادی اسباب و وسائلی که حالیه موجودند غالب‌همان اسباب وسائلی است که بدست  
آنها بنا شده و همانها بودند که در اراضی نو و تغییر اندلس زراعت نیشکر، توت،  
پنبه، موذ، بونج وغیره از روی قاعده دائم و تمام اندلس که اوقت باستثنای قطعات



(۱۶۲) - منظره دیگری از قست داخلی یکی از جاوهای القصر اشیله

جنوبی میرود صحرای خشک عربیانی میشود در آنوقت نمونه با غارم بوده است.

مسلمین در تمام علوم و فنون استعداد و لیاقت خود را ثابت نموده و در امور عام المنفعه و تعمیرات عمومی در ردیف رومیان قرار گرفته‌اند. هر طرف که ملاحظه میشود جاده‌ها، پل‌ها، کاروانسراها، مسافرخانه‌ها، بیمارخانه‌ها، و مساجد بکثرت موجود بودند. زمانیکه سُنی‌پنس<sup>(۱)</sup> اسقف اعظم کتبی را که شعار آن بالغ بر هشتاد هزار بود طمعه حریق نمود با خود خیال میکرد که آثار دشمنان مذهب مسیح را تا ابد از صفحه روزگار محو نموده است لیکن او از این نکته غافل بود که آنها علاوه بر آثار تخریبی آثار دیگری از خود پیاده کار گذاشته‌اند که تا ابدیرای بقای نام آنها کافیست.

۱- Ximénès، در زمان فردیفالد و ایزابیل در حلیطله مقام اسقف اعظمی را دارا بوده است این مرد نهایت درجه منصب بود چنانکه بعد از قلع فرناندو کتب مسلمین را طمعه حریق ساخت، ولادت او سال ۱۴۳۷ و وفاتش سال ۱۵۱۶ میلادی بوده است.

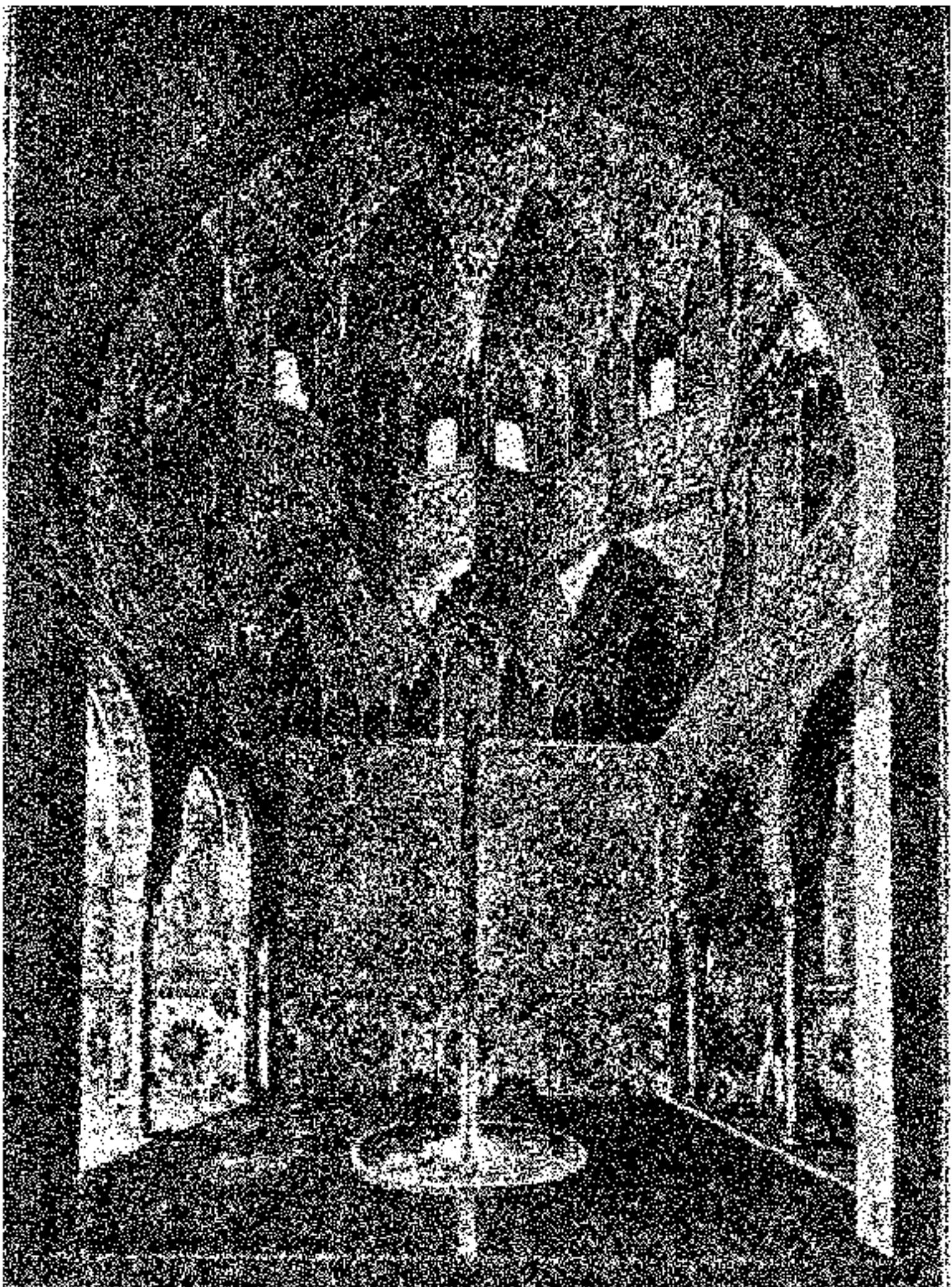
دار الخلافه قرطبه در علوم و فنون و تجارت مرکز مهمی شمرده میشد که میتوان  
گفت بازدگترین یا بیشترین امروزه ار واهمدوش بوده است . آری این شهر قدیم امروز  
هم بر پا میباشد لکن دریک چنین حالتی که باید قبرستانش نامید ، فراموش نمیکنم  
هنگامی که بین ویرانه معظم که وقتی دارای یک میلیون نفوس بود وارد شدم کوچه ها را  
طوری خلوت و خاموش دیدم که باید انسان چندین ساعت در آن کوچه ها گردش  
کند تا بیکنفر بر خود نماید که پایی دیوار آهسته حرکت میکند . ازینحالات واقعاً به  
درجه ای متأثر شدم که در تمام دوره زندگانی خیلی کم باد دارم که چنین حال تأثیری  
بمن دست داده باشد .

شکی نیست که نصاری در قرطبه بعای هلال اسلامی موفق شده بیرق و پرچم صلیب را  
بن افراشته است لکن آن شهر یکه زیر سایه هلال بود معهود ترین و قشنگترین شهرهای دنیا  
شمده میشد بر خلاف صلیب مسیحی که حالیه بر فراز خرابه های تمدن عظیم الشأنی  
سابه افکنده است که مسیحیان آن را بر راه داده و مع الاسف بعای آن توanstند تمدن  
جدیدی تأسیس نمایند .

طرز حکومت عرب در اندلس همان طرزی بوده است که در تمدن بغداد  
مذکور داشتیم . اختیارات مالی ، مذهبی و نظامی تماماً دست شخص خلیفه بود که  
او را شاهنشاه و سایه بزرگان میخوانند . علاوه مجلس شورائی هم وجود داشت که  
انتخاب اعضاء آن با شخص خلیفه بوده است .

در هر ایالتی یکنفر والی از جانب خلیفه معین میشد که دارای تمام اختیارات  
خلیفه بوده است . احکام و قوانین اجتماعی و کشوری چنانکه در آنیه ذکر میشوند  
از قرآن و تفاسیر قرآن مأخذ و همین کتب دستور العمل دادگاهها بوده است  
و محاکم استینافی هم تأسیس یافته که حق داشته اند احکام معمکه های ابتدائی را تجدید  
نظر نموده و در صورت نقض ترمیم نمایند .

مثل سایر سلاطین آن عصر خلفاً هم غیر از قراولان و پاسبانان سلطنتی که شماره آنها بالغ  
برده بازده هزار نفر میشدند دارای قشون دائمی بودند ولی هنگام ضرورت میتوانستند



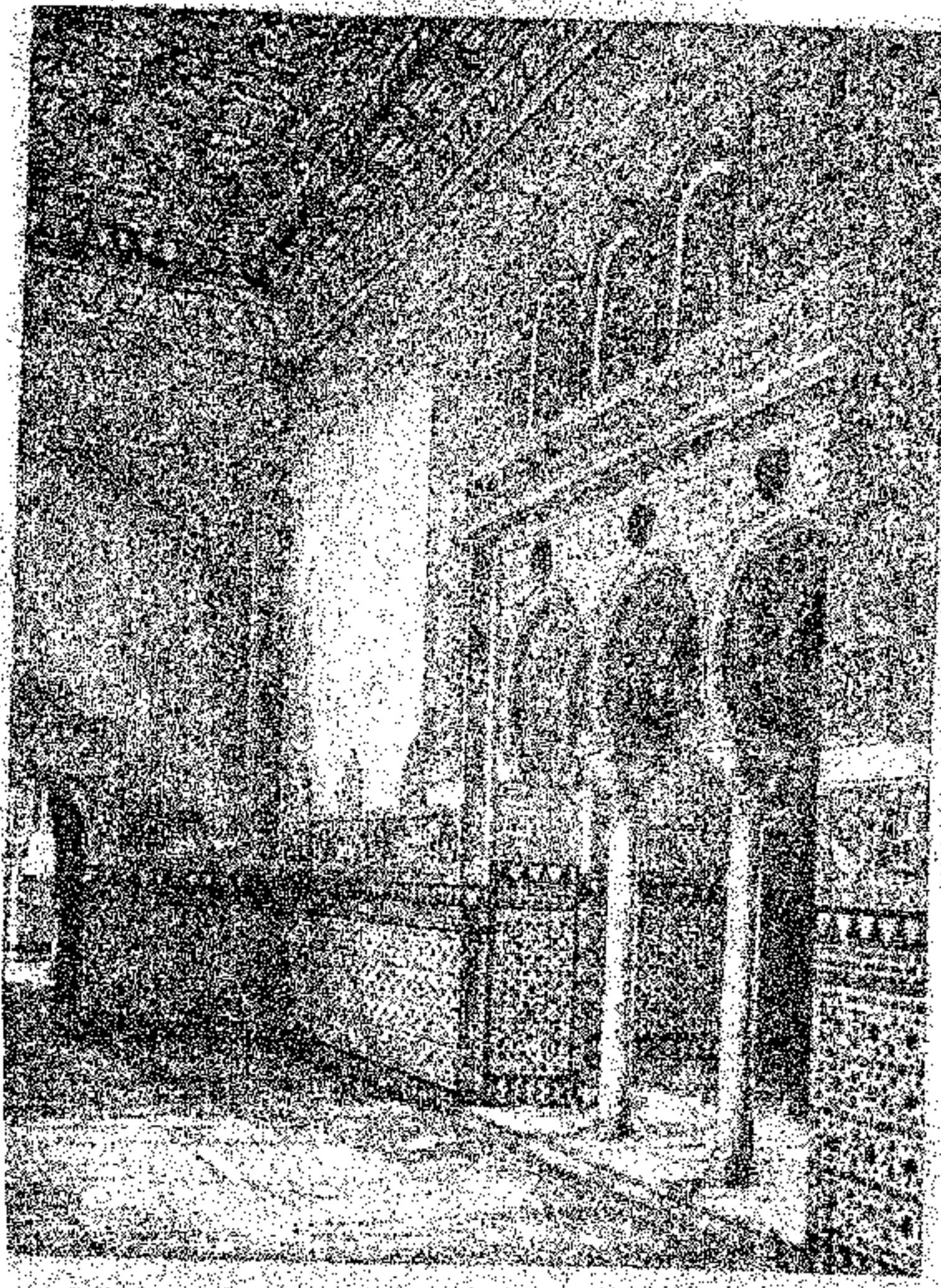
(۱۳۴). تالار سلاطین مر در قصر اشیبه  
 تمام دعایای کشور را که بکار نظام میآمدند زیر سلاح بیاورند.

بجزیه هم عالی و در نهایت درجه حسن انتظام بوده است و بدینجهت تجارت‌شان با اروپا و آسیا و افریقا دائر و قابلی تمام بحر متوسط در قبضه آنها بوده است. منابع غایبی و درآمد اندلس هم مثل بغداد از مالیات و معادن هردو بوده است. درینجا معدن طلا و نقره و زیبق را بکار آوردند و از آنها کاملاً بهره بر میداشتند و اما ترتیب و وزان اخذ مالیات از مسلمین، بکثر از محصولات ارضی بوده ولی جنس مأمور بخواستند و از یهود و نصاری از هر نفری سالیانه مبلغی نقد بعنوان جزیه میگرفتند، علاوه برین از کمرکات و باج راه هم هرساله مبلغی وصول میشد. زمان خلیفه **الحاکم** دوّم، که اندلس در نهایت درجه ترقی بود در آمد خزانه کشور در سال قریب به یک میلیارد ریال بوده است.

چنانکه در بالا گفته اعراب از نظر علمی در درجه اول قرار گرفته بر خلاف برابر که از متوسطین و جزو عامه بشار می‌آمدند و چون نصاری حق دخول در مشاغل و خدمات دولتی را داشتند غالباً در نظام استخدام شده و مزاوجت و زناشوئی بین آنها با مسلمین بکثرت جریان داشته چنانکه مادر عبد الرحمن ثالث ذی نصرانیه بوده است.

مسلمین در طول چند قرن کشور اندلس را از نظر علمی و مالی بکلو منقلب نموده و آن را ناج افتخاری بر سر اروپا فرآورده بودند. واين انقلاب به در مسائل علمی و مالی تنهای بلکه در اخلاق نیز بوده است. آنها یکی از خصایل ذیقیمت و عالیستان انسانی را بنصاری آموختند و با کوشش داشتند که به آموزند و آن همدردی با تأهل مذهبی نسبت بادیان اجنبی بوده است. سلوك آنان با اقوام مغلوبه تا اینقدر ملایم بوده که رؤسای اساقفه اجازه داشتند برای خود مجالس مذهبی هم تشکیل دهند چنانکه در انجلیس در سال ۱۸۷۲ میلادی و در قرطبه سال ۱۸۵۲ میلادی مجالس تعقیق و بررسی مذهبی دائر بودند. از کلیساهای زیادی هم که در دوره حکومت اسلامی بنایشده میتوان بی بردا که آنها دیانت اقوام مغلوبه را تا چه درجه احترام مینمودند.

عدد زیادی از نصاری داخل دین اسلام شده در صور نیکه برای این امر چندان



(۱۲۴) ملار سلاطین مر<sup>\*</sup> در القصر اشیله  
فرد و نبی در کار نبود چه در حکومت اسلامی عربی<sup>†</sup> نصاری هم که آنها را مستعرب  
<sup>‡</sup> Mavres.

میگفتند و نیز یهود در حقوق بلامسلمین شریک و برآبر بوده و دربارخلافت میتوانستند هر شغل و مقامی را دارا باشند و چون در تمام اروپا فقط اندلس همان یهودیان واقع شده بود لهذا جماعت زیادی از یهود در آنجا گردآمد و بودند .

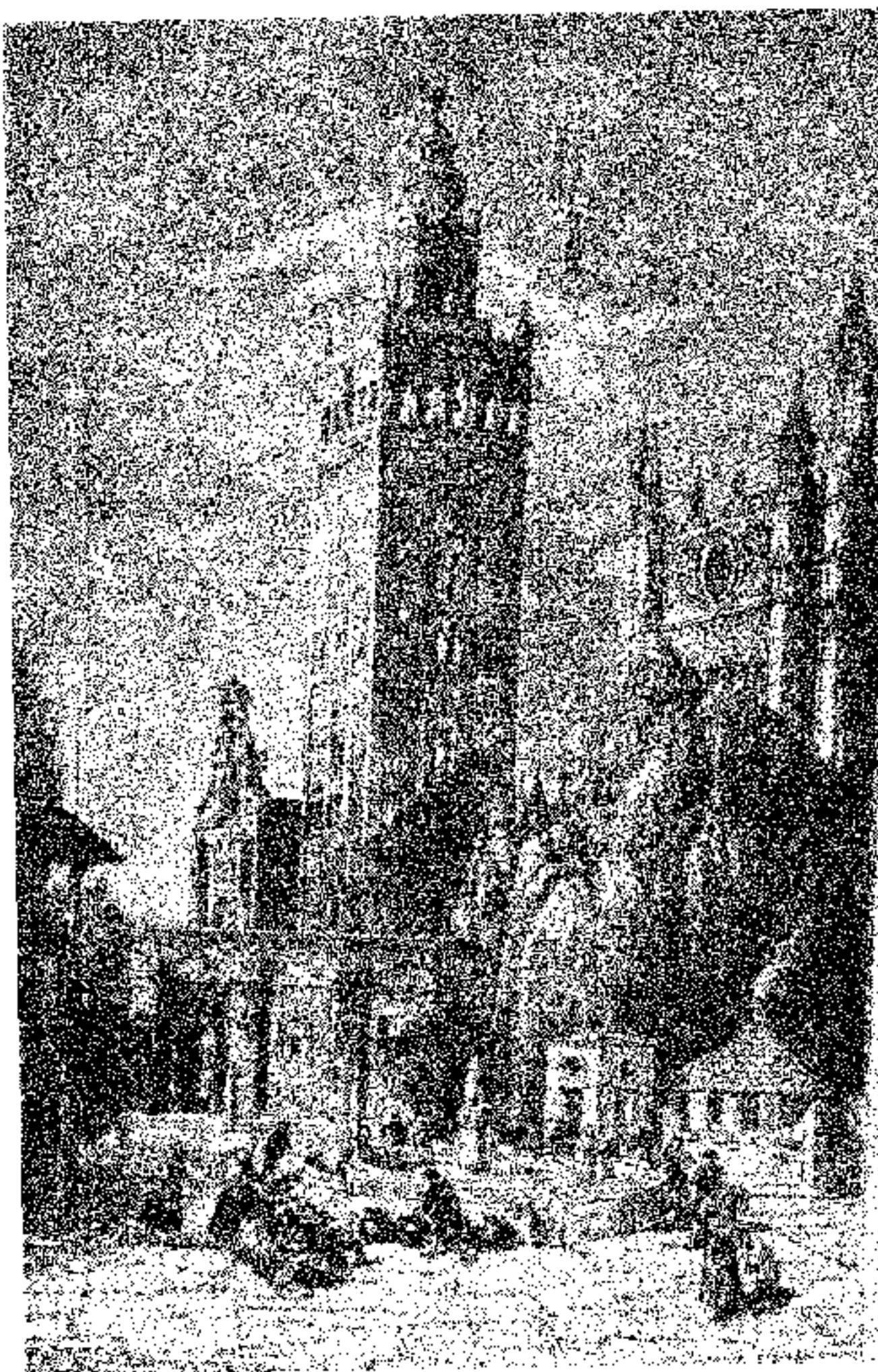
علاوه بر تاهم مذهبی که در بالا ذکر شد ، سلوک بهادرانه و جوانمردانه آنها هم بدرجۀ کمال بوده است و آن اصول سپاهیگری از قبیل نظر داشتن بعاجز وضعیف شفقت و مهرهای با غلوب ، ثبات و پایداری در عهد و بیمان وغیرها که ملل انصاری بعداً آموخته و در دماغ آنان صفات مذکوره را که مذهبی بخود گرفته کاملابآن علاوه‌مند بودند تمام اینها بوسیله عرب و اسلام در اروپا شایع گردید .

برای سپاهیگری حتی در انصاری هم مثل اعراب قانونی وجود داشت و تا وقیکه در یکنفر این ده صفت یعنی : نیکی ، شجاعت ، خوش اخلاقی ، شاعری ، فصاحت ، قوت جسمانی ، شہسواری ، نیزه بازی ، شمشیرزنی ، تیر اندازی جمیع نبود لقب جوانمردی باو داده نمیشد و حق نداشت خود را جوانمرد نامد .

تاریخ اندلس پر است از قصص و حکایاتی که از مطالعه آنها میتوان فهمید که این خصائص و صفات در آنجا تاچه درجه اشاعت داشته است . مثلا در سال ۱۱۳۹ میلادی وقیکه والی قرطبه طلب طله را که آنوقت در تصرف یکنفر شاهزاده خانم نصر ایه برانژر (۱) نام بود محاصره کرده شاهزاده خانم که در شهر گرفتار محاصره دشمن و در مضیقه بود قاصدی نزد والی مزبور فرستاد و بیمام داد که حمله بردن بین خلاف آئین جوانمردی است . سپهبد اسلام فوراً دست از محاصره کشیده لشکرش را مرخص گرد و فقط افتخار ملاقات شاهزاده خانم را در خواست نمود .

بالاخره اصول نام بود سپاهیگری پیش اشارای اندلس هم رواج یافته ولی خیلی بتدربیح زیرا که در قرن بیاندهم مسیحی راجع بصفت جوانمردی و کسانیرا که مطابق افکار آن عصر جوانمرد میباشدند فقط بیکنونه در دست میباشد که عبارت است از

۱- Bérengère.



(۱۲۵) . مناره مربع النصر ادبیله در اسپانیا که یکی از تفییرین صنایع معماری دوره اسلامی است  
کامپادور رو دریک دو و بوار (۱) منهور که نایاب بخطاب والقب رسید یعنی سید شده بود  
۱ Cid Campeador Rodriguez de Vivar.

این پهلوان معروف که بسیاری از شمر امده بود سرا و نداخوان او هستند در حقیقت سردار یک گروهی بود که یکوقت از طرف مسلمین وقت دیگر از طرف نصاری جنگ میکرد. بعبارت دیگر هر طرف که (از نظر مادی) بیشتر مورد استفاده بود با آنطرف ملحق شده بیکار مینمود. او یک مرتبه والانس را فتح نموده حاکم آنجا را که پیور مردی بود بدینقصد دستگیر نمود تا خزانه ای را که خود خیال میکرد در القصر مدفون است باو نشان بدهد. وی این پیر مرد بیچاره را برای استعلام از قضیه بدون هیچ پرواپی بقدرتی روی آتش نگاهداشت که بدش بکلی کتاب گردید.

**مسیو ویاردو** <sup>(۱)</sup> مینویسد: این سردار مشهور را که نامش نهاد معنی جوانمردی را بخطاطر ما میآورد با هرگزگول و قوه <sup>(۲)</sup> همدوش قرارداده و هرگزگوه و قایع و امور مهمه را باو منسوب داشته‌اند. اگرچه این شهرت و نام بلند او را که از سالیان دراز محفوظمانده لیکه دار ساختن نهایت درجه تأسف آور است ولی حق این است که قضاوت تاریخ غیر از مفاد یک رشته افسانه‌ها نیست میباشد که نسبت باو نقل کرده‌اند. در جو درود ریک خصایل یکنفر-پاها می‌جود بود لی این آدم که سرکرده یکنده سپاه بود نهایت بر حم <sup>۱</sup> حریص و طماع، بدکینه <sup>۲</sup> در گفتار و رفتار بی بالک ویک تهور و حشیانه‌ای در او وجود داشت لیکن از مروت و انصاف و صفا و دفا بکلی دود و کلمه ای در شباب بگوشش نخورد بود. او امدادی امر داخل خدمت مسلمین شده با مسیحیان آرا گون جنگ نمود و مسلمین با لقب سد <sup>۳</sup> یعنی سردار زادند که تا کنون با این لقب مشهور است. سردار مزبور بعد از این قضیه شمشیر خود را به سانکولوفور <sup>(۴)</sup> کرایه داده و با او در انزواع کشود از دست برادران و خواهران وی کمل و همراهی نموده سپس جوانمردی خود را از داشتعاص مختلف بمعرض فروش در آورد و از شرایط صلح

#### ۱. Viardot.

۲. Thésée و Hercule. این دونفر از پهلوانات مشهور یونان بوده و داستانهای زیادی مختلف قیاس و عقل نسبت بآنها نقل شده است.

#### ۳. Sancko le fort.

## باب ششم . حکومت اسلامی در اندلس

هورو یدرو<sup>(۱)</sup> و والاس تخلف نموده اُسرارا جلو سگهای شکاری رها کرده و با به بہائه آنکه دفاین خود را نشان پدھنند در آتش اندخته سوزانید . غرض تمام موقتی هایی که او در جنگ حاصل نیستمود از راه کبد و غدر و طمع زیاد و بیش حمی شدیداً بوده است .

مسیو دو زی<sup>(۲)</sup> در کتابی که جدیداً در سرگذشت سیدنا لیل نموده است بایمان ما همراه و خواستگان نیتوانند آن مراجعه کنند و در نمود فقط بشرحی که فاضل نامبرده در کتاب دیگر خود موسوم به «فلسفه تاریخ علمی و سیاست اندلس در قرون وسطی» نگاشته است اکتفا نموده و آنرا ذیلاً نقل مینماییم : ملامت و توبیخ از سعد نحدی رواییست ، جهاین بیچاره در حقیقت همنک معیط بوده و مطابق مقتضات حصر خود عمل میکرد و با اینحال لازم بود این مطالب گفته شود تا معلوم گردد که اعراب بدین کشور چه خدمت نمایانی نموده و سکنه آن را از دادن نمونه های عالی اخلاقی از چه حالت وحشیانه ای نجات بخشیده اند . میگویند مذهب اخلاق انسان را نرم و ملایم مسازد و بعضی اوقات خود عن هم آنرا تصدیق میکنم و میگویم ماید هبته طور باشد ایکن از تاریخ نمیتوان آنرا ثابت نمود و در هر صورت باید تصدیق نمود که ایشان در اصول جوانمردی نمونه های خوبی که بمردم اشان دادند زیادتر از تعلیمات و هدایات مذهبی اخلاق آنها بصلاح و سداد درآورد آری این عمل سد که پیر مرد بیچاره ای را بقصد ربوتن دارائی دی روی آتش کتاب میکند یک حرکت وحشیانه ای شمرده میشود لیکن در آن عصر اینگونه حرکات میان مردم شایع بوده و سایر سرداران مسیحی هم نظیر آنرا امر تکب میشندند مثلابیو<sup>(۳)</sup> بیموروت و قیمه که ابوسعید یاد شده غرزاطه را بخانه خوبش میهمان کرد جواهرات قیمتی اورا دیده برای اینکه آنها را تصاحب کنند میهمان محترم خود را بقتل رسانید و این حرکت بنغازی او یک حرکت خبل عادی شمرده میشود و بالاخره باید معتقد شد که این پیروان اسلام خدمت شایانی بسندن بشری نمودند<sup>(۴)</sup>

### ۱- Murviedro. ۲- Dozy. Pierre.

یکی از سلاطین مسیحی اندلس از همین جواهرات مسروقه یادوتی یکی از نا هزاده خانه های انگلستان داده بود که آن نا کنون در قاعده مشهور اینهن جزو جواهرات دولتی محفوظ بیاشد و من آنرا در همانجا دیگه ام ( مصنف ) .

بعضی از مواد خیلی که قاریخان اسلام را پدقت مطالعه کرده اند در این عقیده با ما همراه و این مزیت اخلاقی را تصدیق مینمایند. از جمله مسیو سدیلو که در این خصوص از مواد خیلی نامی است همینویسد: اعراب در آن عصر از حیث اخلاق و علوم و فنون بر مسیحیان مزیت داشته و بمراتب از آنها بالاتر بودند. در تمام حالات و اطوار و رفاه آنها ماده سخاوت و احسان و ایشاره که موجود بود نظیر آن در دیگر اقوام یافت نمیشد و از ممیزات آنها نسبت با اقوام دیگر که در واقع جزو مفاخر آنها باید شمرد یکی محترم شمردن نوع انسانی بوده است و از همهین صفات خاص بواسطه سوء تفاهمی که در آن پیدا شد رسم دولت در اروپا اشاعت یافت.

سلاطین مسیحی کاستیل و نواوار تا این درجه بحس وفاداری خاصه میباشان تو از زی مسلمین اعتقاد داشتند که برای معالجه و مداوا همیشه بدون هیچ ارزیشه ای به دای تخت آنها آمد و شد مینمودند.

## فصل چهارم

### یادگارهای عربی و اسلامی در اندلس

اعراب در اوایل غلبه و تسلط برخاک اندلس معماران رومی را بکار و اداستند ولی چیزی نکذشت که هوش جیکی و سلیقه معماری و مهندسی آنها بر کارگران مزدور برقراری یافته و بواسطه استعمال بعضی الگوها و طرحهای تریبونی که زائیده فکر خود اعراب بود رواق و جلوه‌های اندازه در اینیه و عمارت پیدا شد بقسمی که هر یمنده در نظر اول تفاوت فاحش و اختیار بین عمارت رومیان و عرب را تشخیص میداد.

طولی نکشید که اعراب اندلس همانند همکیشان مصری<sup>۱</sup> خود را از قبیل تقلید و تأسی سلیقه رومی آزاد کرده سبک تزیینات رومیان را که عبارت از طرح نقش دی زمینه های طلائی بود توله گفتند. اسلوب اختلاط گل و بوته و خطوط را در حاشیه ها و کتبه ها معمول نمودند و شیوه مقرنس کاری را که عبارت از آوریز های لگونسار هر کتاب از چندین قوس و طاقچه های مطابق بر جسته و معلق باشد و خیلی شباهت

## باب ششم - حکومت اسلامی در اندلس

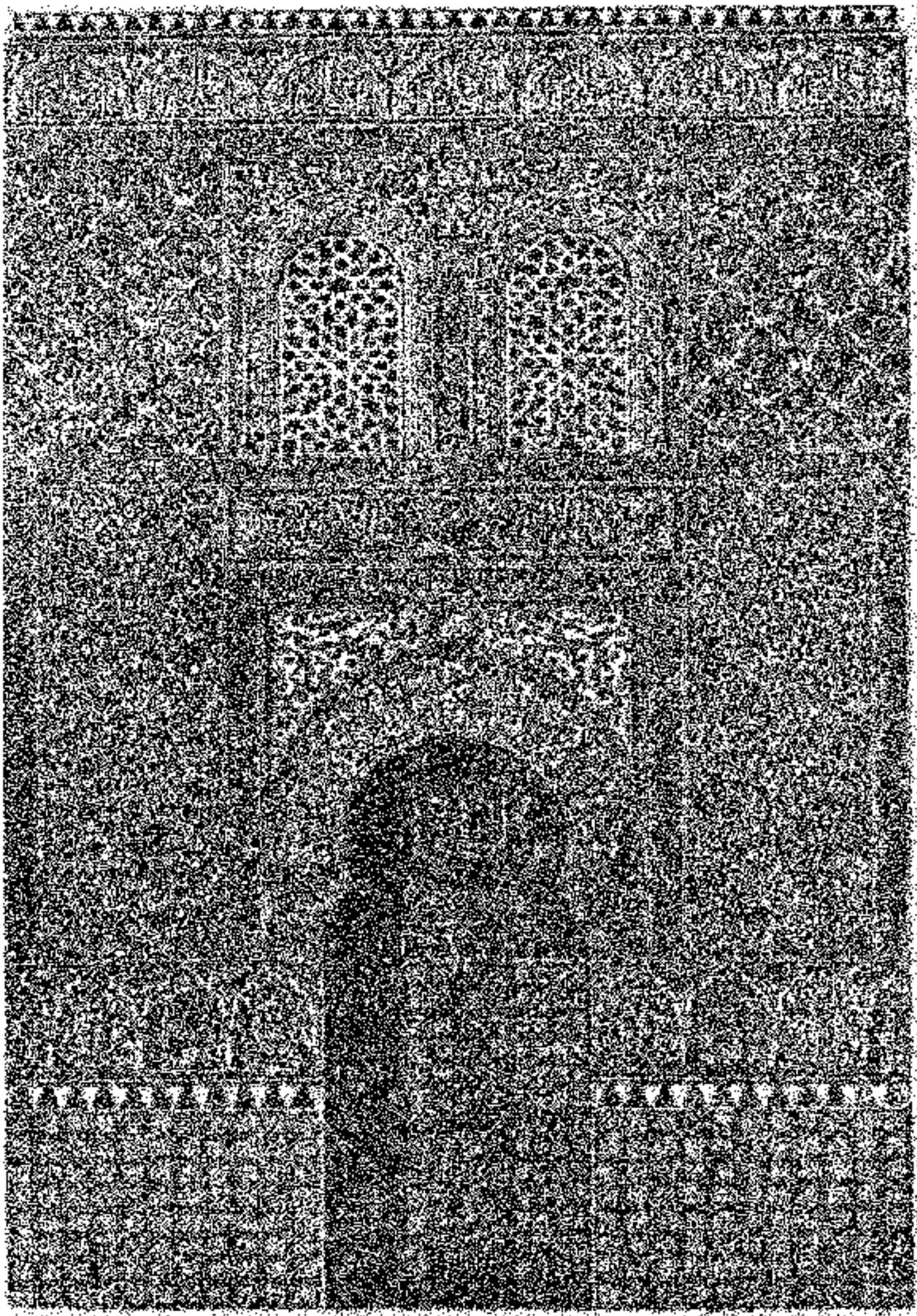
بعنوان زیبور عسل دارد مانند و بگر اقوام مشرقی در عمارات خود بسیار بکار بردنده . منظره این اصلوب خیلی بدیع و معابوع و حیرت انگیز است و یکی از زیباترین و مهمترین موقعی که این صنعت بکار رفته عمارت العمراء است که نسطح داخل گنبد آن تمام روشنیده از این آویزهای هقرنسی است .

در باادی امر طاقها و طاقچه ها را به شتر بشکل نعل اسب بسیار خمیده هیساختند ولی بزودی این شبوه بک نهجو ترک شد و انواع طاقها مانند طاقهای شکسته و طاقهای گوشه دار و طاقهای دندانه دار را بهم آمیختند و طولی تکشید ساختمان طاقهای ساده (هلاک) را بکاره ترک گفتند .

مسجد قرضه وبضی یادگار قرن هشتم و آثار عهد اویں معماری اسلامی در طرابلس ابیه شهر طلیطله میباشد . گلستانه یا برج انبیلیه آثار قرن دوازدهم والقصر غرناطه آثار قرن چهاردهم و سر آمد و بهترین نمونه معماری اسلامی در اندلس بشمار است .

غذارانی که ذکر آنها چنانچه کذشت هر کدام یادگار عصری و البته در جزئیات معماری و سبک بنا اختلافاتی با بلکه بکر دارند ایکن بصور کلی با اختلافات ظاهر در نظر اهل فن معلوم است که همه در اساس باهم شبیه و برآورده بلکه ترز فکر و سایقه و پیوند خانواده آنها کاملاً محسوس و میرهن است . همچوین است حال کلیه اینها و عمارات آنکه اعراب در ممالک مختاره که متدرجاً بر آنها استیلاه بافته بنا نهاده اند . فخر العمراء در غرناطه مسجد حسن (۱) در قاهره و دروازه علاء الدین (۲) در دهلی با وجود آنکه هر کدام در کدور دیگری ساخته شده اند و البته سلیمانی و مهارت صنعتگران محلی در ساختمان آنها خالی از نائیر نبوده است ولی باز در ترد آشنا بآن بفن معماری

۱. بگراور شماره ۱۰۱ رجوع شود . ۲. بکراور شماره ۸۱ رجوع شود .



(١٣٦) - بنای محراب مسجد العمراء

## باب ششم - حکومت اسلامی در اندلس

اسلوب واحد و اساس یکریگی ساختمان آنها بخوبی معلوم است و واضح می‌سازد تاچه پایه، عماران و استادانی که آنها را بنا نهاده صاحب قدرت و مهارت بوده اند که با استعمال صالح و رعایت مقتضبات محلی سبک و اسلوب خود را از دست نداده بلکه در هر جا با حفظ اصول خود تکمیلات و ابداعات تازه برای شروع و ابعاد نمونه‌های بدینه دیگر بکار بردند.

دروازه علاءالدین از جمله اینهای است که در بنیاد آن شیوه عماری عربی و ایرانی و هندی هریک علیحده بجای خود طاهر و مشهود است ولی رویه مرتفه یکی از بهترین نمونه مهارت و قدرت عماری عرب است و بخوبی تفوق و برتری صنعت این قوم را همراه میدارد که از هر جا و هر مملکت مانند ایران و روم و اندلس اصولی چند اخذ و اقتباس نموده و بکار بردند اند بدون آنکه اساس اسلوب و سلیقه خود را از دست داده باشند.

بمناسبت عنوان این فصل بطور تذکر و اجمال شرح بعضی اینهای عالیه اسلامی که هنوز در خاک اندلس سریعاً میباشد همپردازیم و بنا بر سهیکی که اتخاذ کرده ایم تفاویر هریک از آنها را که بدقت تمام نقش شده است درین صفحات دیگر جاییم تا ملاحظه آنها حتی المقدور خواندن گان را از تفصیل و بیان مژروح مستغثی سازد و در فصل مخصوصی از این اینهای که تربیخ عماری اسلامی در آن بحث مبشو در نمایی بذکر تفصیل بعضی ازین اینهای که امتیاز علیحده دارند خواهیم پرداخت.

**ابنیه قرطبه** مسجد معروف قرطبه را عبد الرحمن در سال ۷۸۰ میلادی  
بنا نهاد، این مسجد را هورخین اسلام کعبه مغرب میدانند  
و بهمان درجه توفر و احترام مینهایند و العق یکی از عالیترین اینهای و آثار اسلامی اندلس  
اشعار میرود. سکوند<sup>(۱)</sup> در شرح و تعریف این مسجد چنین مینویسد: "عبد الرحمن  
اون این مسجد را در اوآخر قرن هشتم بنیاد نهاد وطن غالب اینست که خود او مهندس  
و معمار این مسجد بوده و قصد داشته بنای جدید را بطرح و نقشه مجدد مشق ایکن

۱- Conde.



و سیعتر و عظیمتر و بزرینست و آراستگی معبد سلیمان در بیت المقدس که آنوقت بمنتها درجه زیبائی و کمال معروف و دست تطاول رومیان آنرا برآنداخته بود پایان آورد .  
 جامع مزبور الحق بعد از اتمام از حیث عظمت و آراستگی سر آمد همه معابد وابنیه مذهبی مشرق زمین شناخته میشود . مناره آن از سطح زمین چهل برابر قامت انسان متوسط القاعده ارتفاع داشته ، گنبد متناسب و دلکش مسجد که بر بالای جدار و جزرهای متین پوشیده شده از چوبهای گرانبهای منبت تعبیه شده و از اطراف محاط بشیستان وسیعی میشود که هزار و نود و پنج ستون مرمر مختلف اللون بقطار های بیک در هیان در فضای شیستان بریا و آن وسعت عظیم را از جهت طول به نوزده در دیف با چشمۀ طاق عرض و از جهه عرض بسی و هشت ردیف با چشمۀ ترکیب منقسم میساخته .  
 جبهه اصلی جامع رو بجنوب موافقه با شطع معظم « وادی الکبیر » و دارای نوزده درگاه بوده که هر بیک ارای دخواز یکی از چشمۀ های طولانی مقرر و درهایی که بر آنان نصب کرده بودند همه از چوبهای قیمتی و دوپوش شده از قطعات و صفحات روئین ، منقش بنقوش بدیعه و شاهکار صنعت فلز سازی استادان ماهر و زبر دست وقت و درگاه وسط که از سایر درگاهها بزرگتر و مزین تر بوده روی در آن را با صفحات طلا مکمل نموده جبهه های طرفین این مقصوده قسمت مغرب و مشرق هر کدام دارای نه درگاه و بیهیون ترتیب درهای بھر بیک استوار کرده بودند .

هر چند امروز این بنای معظم پس از استیلای اهالی اندلس و انقره این سلسله خلفای مغرب بدست جفاکاری این قوم مخربه و مهدرس شده و بمرائب از درجه شوکت و عظمت اوایل افماده ولی هنوز مشاهده شیستان رفع و آثار صنعت بدیعی که در آن بکار رفته موجب حیرت بینندگان است ؛ برای آنکه این بنای مقدس اسلامی را به پرستشگاه نصرانی تبدیل کرده باشد در وسط این مقصوده معمزاران اندلس کلیساًی ساخته و تزیین دیوارها را با آهک محو کرده ، خانم کاری و کاشی کاری فرش رواق و شیستانها را گنده ولوحه های چوبین و قاب سازی منبت سقفها را از جا درآورده بعمر و دهور بقیمت بخش فروخته و متفرق ساخته اند ، فقط محراب مسجد بطور اعجاز امروز

### باب ششم - حکومت اسلامی در اندلس

هندوز از آسیب تعاون و دستبرد گماهکارانه و صنعت کش اندلسیان محفوظ و نمونه‌ای از جلا و کمال او گلیه باقیمانده است.

سقف شبستان مسجد چنانچه گذشت بر روی عده زیادی از ستونهای سنگی فرار گرفته بترنیم که داخل فضای شبستان را پنهان دین ردیف و چشم مقاطع و عمودی گردید که نسبت می‌گذارد از یک طرف همه حجرات مسجد هسته‌ی می‌شود، منظره کلی داخل شبستان را هسته‌ی آشیبه بجهنمگل آبوهی نمود که بعضی درختان کهن سال ستونهای سنگ مرمر و بسب و سعاق در آن رسته‌اند، بر روی این ستونها هلل ها و خاقهای نعلی مطبق برآورده اند که مشاهده نهای و خرافت آنها فوق العاده هایی عبرت و حیرت است، از نفاع سقف شبستان از کف پناه قدری داشت و این نهای و خرافت آن شده که منتظر داخل شترکی و خنگی و حشت الکبر کلیسا های عظیمه قدیمه نصر ایلان را مانند دلبسای کولونی<sup>(۱)</sup> و استراسبورگ که در فرون وسطی ساخته شده ندارند بلکه مشاهده خاقهای مطبق و دیگر وسائل معماری کعبای قریب و تجلیل فضای داخل شبستان نکار برده اند منظره آن خیلی فشنگ و دروح مخصوصی دارد که در هیچ بناء عمرانی قریب و نظر آن دیده نمی‌تواند.

و امام عراب مسجد: برای آنله را مبالغه را بیهوده و مانند زیول دوپرانه<sup>(۲)</sup> که می‌گویند، از حیث فنگی و افزایی تو بیانات و کمال معماری هیچ بنایی از آنرا قدیمه و جدیده با این محراب همسری و برایتی نمی‌تواند کرد، اگر این نگفته باشیم به این اثره فناخت بیند که روی هر فن محراب این مسجد بکی از بهترین آنها بدبشه است که فن معماري برای عبرت احصار آنها بهادکار کذاشته است این لکته را ایز نایاب دار نظر دو نمودله در زمان بنای این مسجد هندوز مهارت و علم معماری اعراب درختان درجه و پایه هر دو زو صلوع بوده و بعد هائمهارات و اینهه بدیعة دیگر مانند الحمراء و غیره از زیر دست استادان و معماران آنها بیرون آمده که با عنایه و سلیقه صنعتی و حسن

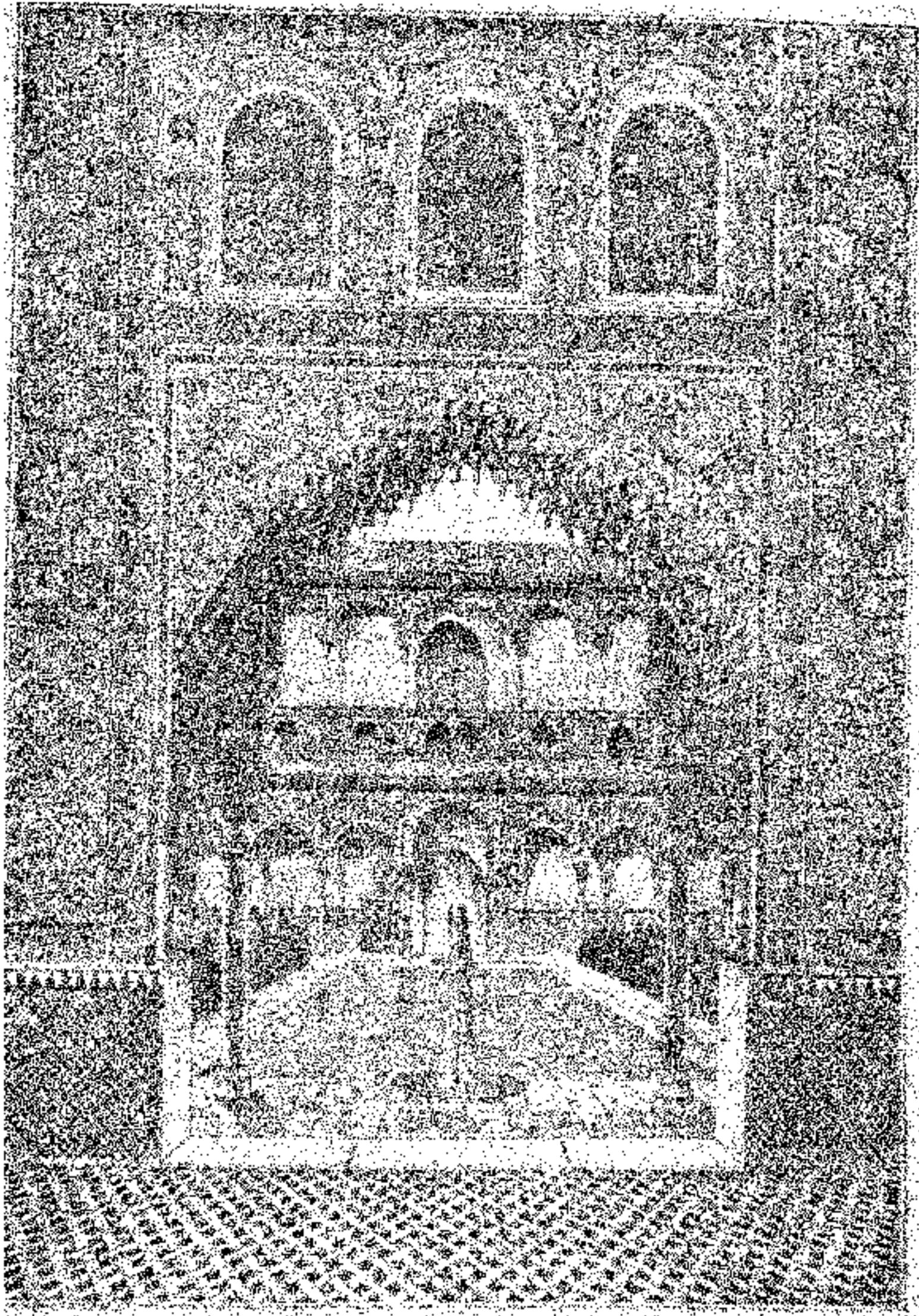
تناسب و ذوق امیزاج الوان و اشکال هنر و دان اسلام را که موجود و مؤسّس آنها بوده  
بالاتر پایه و مقام کواهی میدهد،

بیش از آنکه از ذکر اینسته معروفة قرطبه تجاوز کرده بجا های دیگر پیر دازیم  
ناگزیر و آنها بطوریاد آوری باید اشاره بقصر عبد الرحمن که امروز بالمرأه از میان رفته  
و تنها ذکری از آن در تواریخ مسطور است بنعائیم، ازقرار روایات نویسنده کان  
اسلام که ثیروول دوپرانزه آنها را جمع آوری و خلاصه نموده وصف اجمالی قصر  
عدیم المثال عبد الرحمن که معروف بقصر زهراء در فرن دهم میسیحی به اصله چند  
فرستنک در خارج شهر قرطبه بنیاد شده بود بقراریست که در ذیل شرح آن باید و  
از آنجا که مورخین اسلام تفصیل این قصر را نگاشته اند در توصیف مسجد قرطبه که  
ذکر آن گذشت نهایت دقت و حقیقت را روایت کرده اطمینان حاصل است که در این  
مورد هم از حدود راستی و امکان خارج نشده باشد.

در محوّطه عمارت زهراء قریب چهار هزار و سیصد ستون مرمر گرانهای  
در نهایت تناسب و رعنائی اکار رفته، فرش اطاقها و طالارها از خشت‌های مرمر مختلف  
الملون که با نوع تقویش و طرحهای مختلفه خاتمه کاری شده مغروش بوده است، جدار  
و دیوار طالارها بهمین ترتیب از تخته سنگهای مرمر هزین بحوالی رنگین دو کشی  
شده و هنر سقفها را با طلا و لاجورد آغازته و روی آن زمینه را بنگارهای فشنگ و گل  
و بوتهای درهم تذهیب کرده بودند، ترها و قاب‌بندی سقفها از چوب مطر سدر  
و ماهماری تمام مهارت شده بود،

در بعضی تالارها آب سنگهای مرمر خوش منظر مختلف اشکل کارگذاشته و  
آب مصفای بلورین دائم از فواره‌های وسط باطراف جاری بوده است، در تالار معرف  
بنالار خلیفه منخصوصاً آب سنگ بسیار عالی از سننک بشب و بر کنار آن قوئی از طلای  
احمر نعمیه کرده بودند که از متفاوت قو آب بیرون میریخته و کار استادان قسطنطیه بوده است،  
هذ کور است مر واژیدگر اینهای به جانندی را که امپراطور یونان برای عبد الرحمن

تعفه فرستاده بود در بالای هسن آب سنگ از سقف آویخته بودند،



[۱۳۸] - حافظ دو شرکان [بیت الکر] در العراء

در معادرت قصر زهراء باغهای بزرگ و بستانهای مشجر بانواع و اقسام اشجار و درختان میوه دار از هر طرف احاطه نموده و هر گوش و کنار بحوضها و درباجههای پنهان و آر استه بود چنانکه از مشاهده گل و ریاحین و حضارت و نظارت آنها دیده خیره میشد و در وسط آن باغهای خرم که رشک بساتین ارم بودند بر فراز بلندی کوشک بیلاقی مخصوص خلیفه را که از چهار طرف منتهی باوان و ستونهای مرمر سفید و مکمل بر سر ستونهای ذرین میشده بنا کرده بودند<sup>۱</sup>

از قرار مذکور در وسط این عمارت آب سنگ بزرگی از سنگ هاق گذارد که بودند که آنرا بر از سیماپ کرده و بواسطه تعبیه مخصوصی سیماپ داخل حوض دائمی در فوران و اشمی آفتاب را مانند شعله ای از نور با اطراف مذکوس و منتشر میساخته و بیز در گوشه ای ازین باغستانهای خلد آئین حمامها و لابهای مرموتن برای استحمام و آب بازی ساخته و صفحه های سر حمام را پرشاها و پارچه های ابریشمی وزربفت فروش و مزین کرده بودند و نقش و نگار پرده ها و فرشها عبارت بود از انواع گلها و درختان و حیوانات و باندازه ای در بافتگی آنها مهارت بکار رفته بود که هر کس آن نقشه ها مهدید عین طبیعت میپندشت<sup>۲</sup>.

سنگهای مرمر سفید که در این عمارت بکار رفته بود از معادن آلمیریا<sup>(۱)</sup> و مرمر های سبز و قرمز را از معادن بعده کارتاش و تونس استخراج میکردند<sup>۳</sup> سنگ آب ذرین و هنیت و سطع عمارت را که ذکر آن گذشت بقولی کار صنعتگران شام و بر وایتی کار استادان قسطنطیلیه میدانستند و دیگر از کیفیات و امتیازات این سنگ آب آن بود که شخصی یونانی موسوم به احمد چند هیکل مختلف انسانی را بر اطراف آن جواری کرده و باضافه بحکم خلیفه دوازده هیکل حیوان مختلف الشکل از ذر<sup>۴</sup> ناب مرصع بعواهر در کارخانه دولتی فرطیه ساخته در اطراف سنگ آب بجای فواره قرار داده بودند و دائمی از دهان آنها آب بداخل سنگ آب جریان داشته.

سقف تالار عمارت خلیفه سرتاسر طلاکاری و بدان بطریهای بدیعه قطعات مرمر

<sup>۱</sup> - Almeria.

### باب ششم - حکومت اسلامی در انگلستان

شفاف رنگا رنگ استوار کرده و بدر و دیوارها نیز همین صفت بکار رفته بود و در سطح تالار حوض مدد و در مرمر بزرگی که بر از سیما بود، چنانکه شرح آن گذشت، جای داشت. از هر طرف هشت دهنه درگاه بطرف این تالار بازمیشده که درهای آن از چهار چوب و هلال و تاج از عاج و آبنوس مکمل بجهو اهرات بوده و در طرفین هر درگاه ستوانهای مرمر رنگین و بلور صاف بر جای قائم کرده بودند.

ابن حیان چنین روایت میکند: «در قصر ز هر ۴۳۱۲ - دون باندازه های مختلفه بکار رفته بود که ۱۰۱۳ عدد آنها را از خاک افریقا و ۱۹ عدد را از شهر دوم آورده بودند و ۴۰۱ ستون هم امپراطور روم از قسطنطینیه برای عبد الرحمن ارمغان فرستاده بود و باقی ستوانه ای از معادن مختلفه انگلستان و تراکون و تقاطدیگر بدست آورده بودند. بیشتر درهای عمارات از آهن و بعضی درها از مس مخصوص و مطلقاً ساخته و پرداخته شده بودند».

**بنیه طبیعته** شهر کوهنه و سالخوردۀ طبیعته چنانکه امروز دیده میشود بی کم و زیاد نمونه و بادگار واقعی شهرهای فرون و سطی است. دس‌تای معمم آنجا و دیر معتبر سان زان دولس رای<sup>(۱)</sup> بر عظمت و ابهت معروف این شهر در این دور گذشته گواهی صادق و غیر قابل انکار است. گذشته از این اینیه در شهر طبیعته در هر قدم و گوشه نفوذ و نابر صفت عرب در ساخته ایها و آثار طوابقی که جانشین آن شده بخوبی مشهود میشود. برگرد شهر طبیعته شناوه حصار و باروئی که بطرز و سبک معماري اسلامی در آورده اند در جاست و از جمله دروازه های قدرتمند شهر یکی دروازه معروف بیرا صحراء<sup>(۲)</sup> است که در قرن نهم میلادی تعمیر شده و دیگر باب الشمس است که در قرن دهم بنای شده و از دروازه سابق از حيث عظمت و شکوه کمتر نیست. بعقیده اگر آنده روانی که این اینه را آثار رومی فلمداد میکند یکی: «جاء عین خطاست زیرا که مشاهده شکل مقاومات و جزئیات چگونگی و ترتیبات و دیزمه کاری در دیوار آنها رو به مرتفه سلیمانی و سبک معماري اسلامي عربی را واسع و ببرهن می‌آزاد».

دیگر از شاهای عمدۀ عرب یا بهود و عرب طبیعته کلای سانتاماری بالانکا<sup>(۳)</sup>

۱- San Juan de Los Reyes. ۲- Bisagra. ۳- Santa-Maria Blanca